



دانشگاه مکه
مونترال - ک

مؤسسه مطالعات اسلامی



دانشگاه تهران
تهران - ایران

حسینعلی قویسرکانی
(مؤلف ۱۳۸۶ ق)

مقدمه، تحقیق و تصحیح:

سید محمد علی دیباجی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

رضا مختاری خمویی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل - مطالعات شیعی ۲

رد رکن رابع

حسینعلی تویسرکانی

(متوفی ۱۲۸۶ق)

مقدمه، تصحیح و تحقیق:

سید محمد علی دیباجی
دانشیار دانشگاه تهران

رضا مختاری خویی

سرشناسه	تویسرکانی، حسینعلی، ۱۲۸۶ق
عنوان	رد رکن رابع
شناسه افزوده	سید محمدعلی دیباجی، رضا مختاری خوبی تحقیق و تصحیح، مقدمه
مشخصات نشر	مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل، ۱۴۰۱ هـ ش / ۲۰۲۳ م
شابک	۹-۸۳-۵۵۵۲-۹۶۴-۹۷۸
موضوع	کلام عقاید
موضوع	شیخیه رکن رابع
رده بندی کنگره	BP ۲۳۹/۵
رده بندی دیویی	۲۹۷/۵۳۲۶
شماره کتابشناسی ملی	۹۱۰۱۴۶۴
فروست	مطالعات شیعی



رد رکن رابع، حسینعلی تویسرکانی

مقدمه، تحقیق و تصحیح:

سید محمدعلی دیباجی، رضا مختاری خوبی

ناشر: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل

با حمایت و همکاری دپارتمان مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا

Institute of Islamic Studies McGill University

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱ هـ ش / ۲۰۲۳-۲۰۲۲ م | تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

تهران، بلوار کشاورز، خیابان وصال شیرازی، کوچه شاهد، شماره ۸، ط ۱ و ۶

چاپ و صحافی: غدیرا طراح جلد: مهدی دلجو

مرکز پخش: قم، بلوار عمار یاسر، بین کوچه ۳۲ و ۳۴، پ ۶، تلفن: ۰۹۱۹۳۹۰۸۹۵۰

فروشگاه: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه ۱، پ ۱۳۲

السلام عليك يا بقية الله في أرضه
السلام عليك يا ميثاق الله الذي أخذه ووَّكَّده
السلام عليك يا وعد الله الذي ضمنه...

فهرست

دییاجه.....	۱۵
مقدمه تحقیق.....	۱۹
رؤیاگرایی در اعتقادات.....	۲۱
ادعای عصمت و مصونیت از خطا و اشتباه.....	۲۹
مسأله غلو.....	۳۱
تقریر بر ساخته از مسأله ربط حادث به قدیم.....	۳۴
جایگاه رکن رابع در میان باورهای شیخیه.....	۳۷
ادله اثبات رکن رابع.....	۳۹
- شخص غائب، رافع اختلاف نیست!	۳۹
- استدلال «فعل خدای کامل».....	۴۱
- استدلال «موعظه حسنه».....	۴۵
- استدلال «محال نبودن وجود رکن رابع».....	۴۸
چرا مسأله رکن رابع در زمان پیامبر اسلام بیان نشد؟!.....	۴۹
رکن رابع به عنوان باب امام.....	۴۹
ادعای عمیق بودن معنای رکن رابع و دشواری فهم آن.....	۵۶

- ۶۰..... تناقض گویی درباره علت ظهور و خفای رکن رابع!
- ۶۴..... شیخ احمد احسائی چه اسراری را کشف کرده است؟
- ۷۱..... - تبعیت پیروان شیخ احمد احسائی از او در بیهوده گویی
- ۷۴..... ادعای گزاف در اکمال دین
- ۷۹..... درباره کریمخان کرمانی و تاریخچه شیخیه
- ۸۶..... مخالفت و مقابله علما با شیخیه
- ۹۶..... مختصری از شرح حال و آثار تویسرکانی
- ۱۰۲..... - تألیفات تویسرکانی
- ۱۰۷..... - وفات تویسرکانی
- ۱۰۸..... - تویسرکانی و نقد شیخیه
- ۱۱۳..... گزارش محتوای نسخه خطی شهاب ثاقب
- ۱۱۳..... ظهور فرقه ای جدید و اختراع امر تازه در ارکان دین
- ۱۱۶..... اختلاف شیخیه بعد از وفات سید کاظم رشتی
- ۱۱۷..... - علی محمد باب و اتباع او (فتنه بابیه)
- ۱۱۹..... - کریمخان کرمانی و اتباع وی (فتنه رکنیه)
- ۱۲۰..... تقریر محل نزاع در بحث با کریمخان کرمانی
- ۱۲۳..... پاسخ تویسرکانی به استدلال «موعظه حسنه» برای اثبات رکن رابع

رد دلیل کریمخان در استناد به «مناظره هشام با مرد شامی» برای اثبات رکن رابع	۱۲۴
پاسخ به ادعای کرمانی در اینکه منظور از رکن رابع همان فقها هستند!	۱۳۲.....
پاسخ تویسرکانی به نصایح و طعنه‌های کریمخان کرمانی به فقها	۱۳۴.....
تناقضات و ادعاهایی عجیب!	۱۳۶.....
- دلیل ظهور رکن رابع پس از گذشت قرن‌ها از ظهور اسلام	۱۳۶.....
- دلیل مخفی شدن رکن رابع پس از ظهور!	۱۳۷.....
پاسخ تویسرکانی به ناصبی خواندن مخالفین شیخیه!	۱۳۸.....
بدعت بودن رکن رابع	۱۴۰.....
اجتناب از شیخیه و حکم فقهی درباره ایشان	۱۴۲.....
نسخه‌های کتاب	۱۴۳.....
[مقدمه مؤلف]	۱۴۹.....
[دلیل تألیف کتاب]	۱۵۰.....
[کریمخان کرمانی و انکار آنچه که در کتاب‌هایش گفته است]	۱۵۳.....
[تقسیم‌بندی مطالب کتاب شهاب ثاقب توسط کریمخان کرمانی]	۱۵۵.....
[پاسخ تویسرکانی به مطالب کریمخان کرمانی]	۱۵۷.....
[رکن رابع، غیر از تولی و تبری است]	۱۵۹.....
فصل اول	۱۶۲.....

- [اشکالاتی که کریمخان کرمانی کرده است] ۱۶۲
- [اشکال کریمخان کرمانی در مسأله بدعت و غیبت] ۱۶۵
- [پاسخ اشکالات کریمخان کرمانی] ۱۷۱
- [بررسی ادعای متشابه بودن مطالب کتاب میرزا کریمخان کرمانی] ۱۷۴
- [بدعت رکن رابع، جواز نقد و رد شیخیه] ۱۷۶
- [نقد ادعای کرمانی در قول به جواز غیبت در صورت تصریح نکردن به اسم] ۱۷۸
- [دروغ گو کم حافظه است؛ کرمانی و غیبت با تصریح به اسم] ۱۷۹
- [در اثبات اینکه شیخیه از اهل بدعت هستند] ۱۸۳
- [صرف استدلال کردن و اسم آوردن از کتاب و سنت مانع از صدق بدعت نخواهد بود] ۱۸۷
- [ادامه بیان بدعت های کریم خان کرمانی] ۱۸۷
- [- واجب بودن خواندن ارشاد العوام!] ۱۸۸
- [- حق مؤمن بر همه چیز!] ۱۸۸
- [- اگر مؤمنی را مسرور کنی جمیع اعمال توقبول شود، اگرچه بد باشد!] ۱۸۹
- [پاسخ به ادعاهای اخیر کریمخان کرمانی] ۱۹۰
- [تفاوت اشتباه فقها با غیر ایشان] ۱۹۲
- [اقرار به بدعت بودن رکن رابع] ۱۹۵

- [جاری بودن احکام اهل بدعت بر شیخیه، به دلیل اقاویل فاسده]..... ۱۹۶
- [کریمخان کرمانی و شق عصای مسلمین]..... ۱۹۷
- [دعاوی کریمخان کرمانی همان دعاوی علی محمد باب است]..... ۱۹۷
- فصل ثانی ۱۹۹
- [پنهان کردن معنای رکن رابع از سوی شیخیه]..... ۱۹۹
- [ادعای کرمانی درباره جمع بین محکم و متشابه، و انکار آنچه در کتب خود درج کرده است!]..... ۲۰۰
- [شواهدی از تصریح کریمخان به معنا رکن رابع]..... ۲۱۱
- [معنای رکن رابع، و تناقضات کرمانی در تأویل آن به تولی و تبری]..... ۲۲۱
- [- ابتدا انکار، و سپس بیان دلیل!]..... ۲۲۵
- [باطل بودن ادعای لزوم وجود رکن رابع در زمان غیبت]..... ۲۲۹
- [ادعای عصمت برای رکن رابع]..... ۲۳۶
- [اگر سید کاظم رشتی بگوید روز شب است از اومی پذیریم]..... ۲۳۷
- [عریضه کریمخان کرمانی در غلونسبت به سید کاظم رشتی]..... ۲۳۸
- [انکار معنای رکن رابع، و تغییر محل نزاع توسط کرمانی]..... ۲۴۴
- [آیا منظور از رکن رابع همان تولی و تبری است؟]..... ۲۵۴
- [جواب به پاسخ کریمخان کرمانی در تأویل رکن رابع به تولی و تبری]..... ۲۶۱

فصل ثالث ۲۷۴

[اشکالات کریمخان کرمانی در مقاله سوم] ۲۷۴

[آیات و ادله مورد استناد کرمانی ربطی به تولی و تبری ندارد!] ۲۷۶

[وجوب تولی و تبری، نه وجوب لزوم اولیاء!] ۲۷۸

فصل رابع ۲۸۱

[در بیان دلایل بطلان مذهب شیخیه] ۲۸۱

[ادعای خروج از محل نزاع] ۲۸۱

[کفایت شهادتین در اسلام] ۲۸۲

[خلط بین انکار و عدم معرفت] ۲۸۴

[عدم الدلیل دلیل علی العدم] ۲۸۶

[استدلال بر آیات و روایاتی که هیچ دلالتی بر مدعا ندارد] ۲۸۷

[پاسخ به اشکال کرمانی بر جواب دلیل حکمت] ۲۸۸

[تناقض گویی در عین انکار آن!] ۲۸۹

[پاسخ به اشکال کرمانی بر جواب دلیل آفاق] ۲۹۱

[پاسخ به اشکال کرمانی بر جواب آیات قرآنی] ۲۹۴

[پاسخ به اشکال کرمانی بر جواب اخبار] ۲۹۶

- [علما کتابی که کریمخان برای نسوان و عوام نوشته را نمی فهمند؟!] ... ۳۰۰

- [منظور از رکن رابع علما هستند؟!]
- ۳۰۱.....
- [دلیل کرمانی بر اینکه مخالفین شیخیه ناصبی هستند!]
- ۳۰۲.....
- [باز شدن باب توهین به علما با تذکر دادن حیل‌های شیخیه!]
- ۳۰۵.....
- [روش شیخیه در برخورد با منتقدین]
- ۳۰۶.....
- [پاسخ به اشکال کرمانی بر جواب بدعت]
- ۳۰۷.....
- [تناقض‌گویی درباره معنای رکن رابع!]
- ۳۰۹.....
- [خلط بین ترک واجب و انکار بدیهی]
- ۳۱۲.....
- [چه چیزهایی رکن و اصول دین هستند؟]
- ۳۱۴.....
- [طفره رفتن از معنای حقیقی رکن رابع، و تناقضی دیگر!]
- ۳۱۹.....
- خاتمه.....
- ۳۲۱.....
- [چرا شیخیه را اهل بدعت می‌دانیم؟]
- ۳۲۴.....
- [تعریف ضروری دین]
- ۳۲۵.....
- [طفره‌های حیرت‌آور!]
- ۳۲۶.....
- [برای سؤال رسول خدا ﷺ در قیامت چه پاسخی داریم؟!]
- ۳۲۶.....
- [سخن پایانی]
- ۳۲۸.....
- منابع.....
- ۳۳۱.....
- اعلام.....
- ۳۳۶.....

دییاجه

«رکن رابع»^۱ از زمان ظهور و بروزش توسط برخی اعلام شیخیه، مورد نقد بسیاری از علمای زمان قاجار قرار گرفت؛ رساله حاضر که بصورت مستقل به این بحث پرداخته است در واقع ردیه بر پاسخ کریمخان کرمانی بر رساله اول نویسگرانی موسوم به شهاب ثاقب است.

کرمانی بعد از ملاحظه رساله شهاب ثاقب حسینعلی نویسگرانی ردی بر آن می‌نگارد، نسخه‌ای از آن ردیه با عنوان «چهار مقاله»/رساله در جواب ایرادات ملا حسینعلی/ در کتابخانه مسجد اعظم قم محفوظ است، که همان نسخه نیز در کتاب پیش‌رو اساس قرار گرفته است.

۱. معنای رکن رابع - حسب آنچه عیناً از بیانات کرمانی در ادامه نشان داده خواهد شد - چنین است: چون امام غائب نمی‌تواند رافع اختلاف و مشکلات باشد، و اگر شخص غائب کفایت می‌کرد خود خداوند غائب بود و نیازی به ارسال رسل نداشت، لذا باید شخصی به عنوان نائب امام وجود داشته باشد که جامع جمیع صفات حضرت باشد؛ این شخص سابق بر این به دلیل عدم فهم و استعداد مردم مخفی بود و خداوند آن را توسط شیخ احمد احسائی ظاهر ساخت. تبعیت از او واجب و رد او موجب ناصبی شدن می‌گردد، خداوند تقسیم بهشت و جهنم را نیز به دست دورکن رابع نخستین یعنی شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی داده است. شیخ احسائی علومش را از امامان اخذ کرده و حضرت از آب دهان خود به ایشان نوشانده‌اند. احسائی در بیان مطالب خود معصوم و مصون از اشتباه است.

تویسرکانی نیز پس از ملاحظه ردیه کریمخان کرمانی بر شهاب ثاقب، رساله رد رکن رابع را در پاسخ به کرمانی تألیف می‌کند. تویسرکانی در رساله حاضر ضمن نقل پاسخ‌های کریمخان کرمانی، به آنها جواب داده و ضمن رد ادعاهای جدید وی، ارجاعات فراوانی به آثار ایشان در تصریح به معنای رکن رابع می‌دهد. آنچه که به گفته تویسرکانی بسیار عجیب می‌نماید - صرف نظر از اصل ادعای باطل رکن رابع - انکار نقل قول‌ها از کتب ایشان است. تویسرکانی اشاره می‌کند که شیوه کرمانی در بحث، در ابتدا انکار عجیب آن چیزی است که عیناً از کتب وی نقل می‌شود، و به طرز عجیبی در مرحله دوم توضیح دادن دلیل بیان همان چیزی است که در کتب خود نوشته بود و در ابتدا انکار می‌کرد! تویسرکانی می‌گوید آیندگان خواهند دید که این مرد چگونه بحث کرده و تمام آنچه را که در کتب خود و بقول خود برای عوام و نسوان نوشته بود، در بحث با علما در ابتدا انکار کرده و در مرحله بعد ایشان را قاصر از فهم کتابی می‌داند که مدعی است برای عوام و نسوان نوشته است.

نوع ورود و خروج به مطالب و ارائه بحث توسط تویسرکانی در کتاب حاضر، علاوه بر پختگی و علمیت ایشان که یکی از مراجع زمان خود بود - نبوغ و استعدادشان در بحث را نشان می‌دهد که به زیبایی راه‌های فرار را مسدود و توجیهات باطل کرمانی را بر ملا می‌سازد. کتاب حاضر که می‌توان آن را جامع‌ترین نوشتاری دانست که به بررسی موضوع رکن

رابع پرداخته است علاوه بر جهات علمی، اطلاعات تاریخی خوبی نیز از برخی فتنه‌های دوران نویسگرانی دارد. همچنین در مقدمه و پاورقی‌ها نیز سعی شده است مطالب مفیدی همسوبا محتوای کتاب ارائه شود.

لازم به ذکر است مواردی که در پاورقی با نشانه (م) آمده است از نویسنده این سطور است. همچنین بنا به حساسیت برخی موضوعات، و اینکه در برخی مطالب باطل منقول از شیخیه راه تأویل برایشان بسته شده و حاق مطلب فهم شود ناچار از تکرار و یادآوری برخی سخنان ایشان در مواضع متعدد بودیم.

کتاب پیشرو دومین اثری است که تحت عنوان «مطالعات شیعی» توسط دپارتمان مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل منتشر می‌شود؛ اثر پیشین احیا و تحقیق دانشنامه شاهی محمد امین استرآبادی توسط رولا جردی ابی صعب و رضا مختاری خویی بود.

در اینجا لازم است از پروفیسور جردی رئیس پیشین دپارتمان مطالعات اسلامی مک گیل، و پروفیسور هارتمن رئیس فعلی این دپارتمان تقدیر و تشکر صمیمانه نماییم. همچنین تشکر ویژه از دکتر مهدی محقق و سرکار خانم نوش آفرین انصاری بابت تمامی همکاری و همراهی‌ها.

هنگامی که این کتاب در حال نهایی شدن بود، ما در دوران مدیریت خوب رسول جعفریان بر کتابخانه دانشگاه تهران بودیم، دورانی که با تسهیل ارائه نسخ خطی به محققین، آغاز و با رایگان شدن

دسترسی آنلاین به نسخه‌ها در سایت دانشگاه به سرانجام رسید، و اینک که این کتاب به مرحله نشر رسیده است نه ریاست کتابخانه به مدیریت خوب جعفریان وفا کرده است و نه دسترسی آنلاین به محققین! دورانی فرارسیده که شیرینی کام محققین از روزگار پیشین را با اعمال روند سخت اداری برای دسترسی به نسخ دانشگاه تلخ نموده است، و چه بسیاری از محققین غیرایرانی که به دلیل عدم دسترسی آسان به نسخه‌های شیعی، از مطالعه و تحقیق در این حیطه صرف نظر می‌کنند. و البته چه بسا این امور برای مسئولین مربوطه دارای اهمیتی نباشد، همانطور که پیشتر به دلیل سوء مدیریت، گرسی مستقل شیعه‌شناسی در دانشگاه مک گیل از دست رفت، و به جایی برنخورد! در انتها لازم است از تمام همراهی‌ها، پشتکار و همکاری‌های استاد دیباجی تشکر و قدردانی ویژه نمایم که بدون حضور و مساعدت ایشان این اثر به ثمر نمی‌رسید. و همچنین تشکر از دوست فاضل و همراهم، اکبر جدی.

امیدواریم این کتاب برای پژوهش‌های مرتبط با شیخیه مفید واقع شود.

رضا مختاری خویی

مقدمه تحقیق

شیخ احمد احسائی (۱۱۶۶-۱۲۴۱ق) زاده منطقه أحمساء در شرق سرزمین حجاز، عالمی بود که به شهرهای مهم ایران و عراق - از جمله کربلا، نجف، بصره، مشهد، تهران، یزد، و قزوین - سفر کرد و حوزه‌های مختلف علمی شیعه را از نزدیک دید و جسته و گریخته در برخی از مجالس درس عالمان آن عصر شرکت کرد،^۱ اما عاقبت برخی آموزه‌های اساسی تشیع را آنچنان با دیدگاه خاص تفسیر کرد

۱. البته طرفداران شیخ احمد احسائی این حضور وی در درس برخی علما را نه برای فراگیری علم، بلکه برای معلوم کردن مایه علمی هر کدام از ایشان بیان می‌کنند. (بنگرید به: احسائی، عبدالله، شرح احوال شیخ احمد احسائی، ترجمه محمد طاهر خان کرمانی، ص ۱۸) و او را بی‌نیاز از مطالعه و مراجعه به کتب می‌دانند (سید کاظم رشتی، جواهر الحکم، ج ۷، ص ۲۴۲) و می‌گویند: «درس نخوانده می‌داند و تعلیم نگرفته می‌فهمد» (محمد خان کرمانی، مجمع رسائل، ج ۵، ص ۴۷). و نیز گویند: «ابداً محتاج به مراجعه و مطالعه کتب نبود، و اگر احیاناً رجوع می‌فرمود بعینها همان بود که در خواب آزموده بود» (رساله شرح احوال، ص ۱۷). شیخ احمد احسائی و شیخیه، معلمان و آموزگاران شیخ را خود اهل بیت (علیهم‌السلام) و در عالم خواب معرفی می‌کنند که مفصل بیان خواهد شد.

که انتقادات تند بزرگان شیعه را برانگیخت تا بدانجا که وی را خارج از تشیع معرفی کردند.^۱

لزوم وساطت اهل بیت (علیهم السلام) در خلق مخلوقات بخاطر ادعای محال بودن ربط حادث به قدیم، مسائلی درباره معاد، معراج جسمانی و هورقلیایی و رکن رابع از دیدگاه‌های بحث برانگیز مرتبط به اوست.

شیخیه مکتبی است که در قرن ۱۳ق پیروان شیخ احمد احسائی و شاگردان و جانشینان او پایه‌گذاری کردند.^۲

شیوه احسائی و شیخیه آمیزه‌ای از نگرش آزاد فلسفی، تأویلات خاص روایات طبق گرایشات صوفیانه و رؤیاپردازی است.

ما سعی می‌کنیم چند مسأله مهم در منظومه فکری ایشان را مورد بررسی قرار دهیم.

۱. شواهد مربوط به این مطلب در ص ۸۶ الی ۹۵، بخش «مخالفت و مقابله علما با شیخیه» خواهد آمد.

۲. نجوم السماء می‌نویسد: «اتباع او را که بر طریقه وی اند کشفیه نامند و شیخیه هم گویند». کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ص ۴۲۱.

رؤیاگرایی در اعتقادات

مسأله رؤیا و خواب و ادعای ارتباط با غیب به ویژه نقش کلیدی در تبیین و ترویج آموزه‌های بدعت‌آمیز گروه‌های مختلف دارد و معمولاً ستون فقرات اکثر فرقه‌های انحرافی را تشکیل می‌دهد.^۱

﴿وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ﴾ انعام، ۱۲۱

همانا شیاطین به اولیای خود وحی و القا می‌کنند.

امام صادق (علیه السلام) درباره فردی که مدعی ارتباط با عالم غیب بوده است فرمودند:

«رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: همانا شیطان در بین زمین و آسمان تخت

سلطنتی بر نهاده و به عدد ملائکه یارانی برگزیده است، پس چون کسی را به سوی خویش دعوت کند و آن کس او را پاسخ گفته و مردمان پیرو او

۱. این موضوع گاهی در بین شیخیه چنان گزاف و بی‌مبناست که آدمی را به تحیر و اوهام می‌دارد. برای نمونه شیخ احمد احسائی ادعا می‌کند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دهان مبارکش را بر دهانم گذاشت و از آب دهانش آبی گوارا تر از عسل و خنک تر از برف به من چشانید. (بنگرید به: تراث الشیخ الاوحد، ج ۱۸، ص ۳۹۴: فوضع فمه علی فمی و میج علی من ریقہ ماء الذ من الشہد و أبرد من القلج) سید کاظم رشتی نیز خواب‌هایی را نقل می‌کند که در آن انتخاب احسائی توسط ائمه (علیهم السلام) انجام شده و این مطلب طرح شده است که منکر ایشان منکر اهل بیت (علیهم السلام) تلقی می‌شوند زیرا ایشان لعاب دهان امام حسن (علیه السلام) را مکیده و بزاق دهان رسول الله (صلی الله علیه و آله) را چشیده‌اند!! بنگرید به: سید کاظم رشتی، دلیل المتحیرین، ص ۱۶-۱۵.

گردند، براو تجلی می‌کند و او را به سوی عرش خویش بالا می‌برد».^۱

و امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

«هیچ شب و روزی نیست مگر این که تمامی جنیان و شیاطین،

امامان گمراهی و ضلالت را دیدار کرده... برای ایشان سخنان ناروا و

دروغ می‌آورند. لذا آن امام ضلالت هر روز می‌گوید که چنین و چنان

شهود کرده‌ام».^۲

بدون تردید خواب و رؤیا از پدیده‌های طبیعی و تکوینی عالم

انسانی است و ارزش و حکمت خاص خود را دارد. شناخت این

پدیده براساس موازین دینی و علمی از ضروریات سبک زندگی

دینی و سالم است. در غیر این صورت امکان لغزش و انحراف زیادی

در تفسیر رؤیا می‌تواند مسیر زندگی و معیشت را عوض کرده و دچار

مخاطره نماید. چنانکه استناد مطلق و بدون مبانی پذیرفته شده

دینی، امکان سوء استفاده فراوان از این پدیده را برای گروه‌های

مختلف فراهم آورده است.

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۸۲: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: إِنَّ إِبْلِيسَ اتَّخَذَ عَرْشًا فِيمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَاتَّخَذَ زَبَانِيَةً بَعْدَهُ الْمَلَائِكَةُ فَإِذَا دَعَا رَجُلًا فَأَجَابَهُ وَطَىٰ عَقِبَهُ وَتَخَطَّتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ تَرَاءَىٰ لَهُ إِبْلِيسُ وَرُفِعَ إِلَيْهِ».

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۵۳: «لَيْسَ مِنْ يَوْمٍ وَلَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَجَمِيعُ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ تَزُورُ أَيْمَةَ الصَّلَاةِ ... فَاتَّوَهُ بِالْإِفْكِ وَالْكَذِبِ حَتَّىٰ لَعَلَّهُ يُضْبِحُ فَيَقُولُ رَأَيْتُ كَذَا وَكَذَا».

شیخیه نیز از پدیده خواب و رؤیا در اثبات مقاصد، مدعا و حقانیت خود استفاده بسیار کرده‌اند. پیش از ایشان نیز صوفیه ادعای دیدن خواب‌هایی برای اثبات حقانیت خود کرده بودند. چنانکه حتی یکی از ایشان چندین بار ادعا می‌کند که خود خداوند متعال را در خواب دیده است.^۱

اما اعتبار رؤیای یک فرد تا چه اندازه و در چه موضوعاتی قابل پذیرش است؟ در امالی شیخ صدوق آمده است:

«به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: مردی پروردگار خود را در خواب دیده است، این چگونه است؟ حضرت فرمودند: او مردی بی‌دین است، زیرا خداوند نه در بیداری قابل رؤیت است و نه در خواب، و نه در دنیا و نه در آخرت».^۲

از طرف دیگر این حدیث که هر کس ما را در خواب ببیند قطعاً خود ما را دیده است زیرا که شیطان به صورت ما متمثل نمی‌شود،^۳ برای افرادی که دیدن معصومان (علیهم السلام) در خواب را ادعا می‌کنند، مستمسک ظاهراً موجهی است. میرزای قمی (رحمته الله علیه) در نقد

۱. بنگرید به: تذکرة الاولیاء، ص ۲۰۲.

۲. بحار الأنوار؛ ج ۴، ۳۲ از امالی الصدوق: «قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام) إِنْ رَجُلًا رَأَى رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي مَنَامِهِ فَمَا يَكُونُ ذَلِكَ؟ فَقَالَ ذَلِكَ رَجُلٌ لَا دِينَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَرَى فِي الْيَقَظَةِ وَلَا فِي الْمَنَامِ وَلَا فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ».

۳. بحار الأنوار؛ ج ۵۸، ص ۲۱۱، و ص ۲۴۴.

کسانی که با استناد به این روایت ادعای رؤیت معصومان (علیهم السلام) را دارند، می نویسد:

«در آن حدیث سخن بسیار است... یکی از آن سخنان این است که کسانی که معصوم (علیه السلام) را به چشم ظاهر دیده اند و او را می شناسند، هرگاه در عالم رؤیا صورت آن جناب را ببینند همان جناب را دیده اند و شیطان به صورت ایشان نمی نماید».^۱

بنابر این چه بسا حدیث مذکور توصیه امام (علیه السلام) برای اصحابی بوده است که پیشتر ایشان را ملاقات کرده و چهره آن حضرت را دیده اند. در غیر این صورت چگونه باید تشخیص داد شخصی که در خواب دیده شده معصوم (علیه السلام) است؟ و آیا هرکسی که بگوید من امام (علیه السلام) را در خواب دیده ام دیگر دلیلی بر رد او نداریم؟ در حالی که این مسأله سوء استفاده فراوانی را به بار می آورد.

ودوم اینکه معنای روایت این نیست که هرکس خیال کرد امام را در خواب دیده است واقعیت هم همین است! بلکه ممکن است امام را ندیده باشد و او فقط توهم و خیال کرده است که امام را دیده است، در حالی که واقعا امام را ندیده است و شیطان را دیده، چه اینکه شیطان در خواب هم به صورت امام ظاهر نمی شود؛ تا چه رسد

۱. میرزای قمی، سه رساله در نقد عرفان، ص ۲۰۶.

به اینکه حتی خواب بیننده سخنانی بگوید که خلاف ضروری دین و عقل باشد و آن را به امام نسبت دهد!

شیخ احمد احسایی می گوید:

«باب رؤیایا به روی من گشوده شد، به گونه ای که بیشتر اوقات شب و روز هریک از امامان (علیهم السلام) را که بخواهم می توانم بینم، اگر پیش از آنکه مطلب تمام شود از خواب بیدار شوم دوباره می خوابم و مطلب را دنبال می کنم».^۱

«باب رؤیایای شگفت به رویم گشوده شد هر چه در بیداری برای من پیش می آید، در خواب برایم بیان می شود. هرگاه امامان (علیهم السلام) را یاد کنم آنان را در خواب می بینم، اگر امام خاصی را یاد کنم همان امام را در خواب می بینم و اگر مطلق آنان را یاد کنم به من اختیار داده می شود که هر کدام را که بخواهم بینم».^۲

۱. تراث الشیخ الاوحد، ج ۱۸، ص ۳۹۳: «انفتح لی باب رؤیتهم (علیهم السلام) حتی انی اکثر اللیالی والایام اری من شئت منهم علی ما أختار منهم الذی أراه (علیهم السلام) وإذا رأیت أحداً منهم وانتبهت وانقطع کلامی قبل اتمامه رجعت فی النوم ورأیت ذلک الذی رأیت عند منقطع کلامی حتی أتممه».

۲. تراث الشیخ الاوحد، ج ۱۸، ص ۴۰۸: «انفتح لی باب المنام بأنواع المعائب، فلا تمرّبی مسألة فی یقظة إلا رأیت بیانها فی المنام وکلّ حین ذكرت الأئمة (علیهم السلام) فی الطیف رأیتهم، فإن رأیت [فإن ذكرت] واحداً معیناً رأیته وإن ذكرتهم مطلقاً کان لی الخيار فیمن أریه».

و می گوید در عالم رؤیا امامان معصوم علیهم السلام هر کدام به من اجازه هایی جداگانه داده اند که در آن دستورات، وعده ها و وصف هایی برای من ذکر شده است.^۱

و می گوید من خواب هایی می بینم که الهامات است.^۲

چنانکه گذشت شیخ احمد احسائی ادعا می کند:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله دهان مبارکش را بر دهانم گذاشت و از آب

دهانش آبی گوارا تر از عسل و خنک تر از یرف به من چشانید».^۳

خود احسائی متوجه این مطلب است که شاید این ادعاهای گزاف او توسط دیگران پذیرفته نشود لذا می گوید در خوابش از حضرت رسول صلی الله علیه و آله درباره دلیل انتخاب شدن خود می پرسد و حضرت پاسخ می دهند که این انتخاب شدن بدون دلیل بوده است:

«بغیر سبب. فقلت: بغیر سبب؟ فقال: نعم، أمرت أن أقول كذا».^۴

و پیروان وی نیز می نویسند:

«اینکه می بینند در میانه علماء سلف و خلف مشایخ ما اعلی الله

مقامهم در این باب اصرار زیاد فرموده اند و به فرمایش سید مرحوم اعلی الله

۱. تراث الشیخ الاوحد، ج ۱۸، ص ۳۹۶.

۲. همان، ج ۱۸، ص ۳۹۵.

۳. همان، ج ۱۸، ص ۳۹۴: «فوضع فمه علی فمی و میج علی من ريقه ماء ألد من الشهد وأبرد من الثلج».

۴. همان، ج ۱۸، ص ۳۹۶.

مقامه [سید کاظم رشتی] برای ظهور و تشیید امرکن رابع اسبابی خداوند قرار داده که ایشان از آن اسبابند حال چرا ایشان از آن اسبابند این یک نعمت ابتدائی است و بخت خداداد است و مرحمتی است که بلاسبب خداوند فرموده».^۱

شیخیه معتقدند شیخ احمد احسائی از جانب رسول خدا ﷺ مأموریت یافته تا معارف را ابلاغ و مذاهب باطله را اصلاح نماید؛ میرزا کریمخان کرمانی در این باره می نویسد:

«پیغمبر را ﷺ به خواب دیدند که فرمودند باید بروی و علم خود را که ما به تو انعام کرده ایم در میان خلق آشکار کنی که مذاهب باطله در عالم شیوع گرفته است و باید بروی و آن باطل ها را براندازی».^۲

«حضرت امیر را در خواب دیدند که فرمودند که آنچه برادرم پیغمبر ﷺ فرموده اند از آن گزیری نیست باید بروی و علم ما را به مردم برسانی».^۳

«در خواب به خدمت حضرت امام حسین (علیه السلام) رسیدند فرمودند که آنچه جد و پدر و برادر بزرگوارانم فرموده اند تخلف ندارد و چاره از آن نیست باید بروی و امر را به انجام رسانی و دین را اصلاح کنی».^۴

۱. ابوالقاسم خان ابراهیمی، فهرست، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. کریمخان کرمانی، هداية الطالبین، ص ۱۱۶، مطابق با ص ۴۵ نسخه الکترونیکی.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴۶.

«اجازه به او عطا فرمودند به مهر همه ائمه (علیهم السلام) که امر تو ممضی است و حکم تو نافذ، برو و امر را به مردم برسان. این بود که آن بزرگوار محنت معاشرت خلق را بر خود گذاردند و صدمه این منافقین را بر خود هموار کردند و در میان خلق علم و امر خود را آشکار کردند».^۱

پسر شیخ احمد احسائی نیز در رساله ای که در شرح احوال پدرش نوشته، رؤیاهای شیخ احمد را مکاشفه و الهامات غیبی می داند، و تأکید می کند که او هرگاه می خواست می توانست هر کدام از ائمه (علیهم السلام) را در خواب ببیند و مشکلات خویش را با آنان در میان بگذارد و جواب دریافت کند.^۲

گویا دیدن خواب و مکاشفه در میان شیخیه امری طبیعی بوده و راحت ترین راه برای ادعای حقانیت خود و جذب مردم است. کریمخان کرمانی مدعی است:

«بعد از رؤیت امام نهم (امام جواد (علیه السلام)) مستبصر شدم و به برکت ائمه اطهار (علیهم السلام) متوجه کشف چیزهای پنهان، صاحب شعور معنی، دارای بینش باطنی و بصیرت گردیدم. در علوم خود از این پس مستقیماً از ایشان استمداد جستم نه از کس دیگر، تمام علم من نتیجه دید باطنی و بصیرت

۱. کریمخان کرمانی، هدایة الطالبین، ص ۴۶.

۲. احسائی، عبدالله، رساله شرح احوال، ص ۱۷، و نیز الشیخ احمد الاحسائی مجتد الحکمة الاسلامیة، ج ۱، ص ۵۱۵.

من است و مأخوذ از اصول و حکمت ائمه هدی (علیهم السلام) است که راهنمای تحقیقات معنوی من هستند و لا غیر».^۱

ادعای عصمت و مصونیت از خطا و اشتباه

چنانکه گذشت شیخ احمد احسائی ادعا می کند علومش را مستقیماً از معصومین (علیهم السلام) اخذ کرده است و هرگاه بخواهد نیز در عالم رؤیا به خدمت ایشان می رسد و سؤالات خود را از ایشان می پرسد.

احسائی در ادعایی خود را معصوم از خطا و اشتباه می داند! و دلیل او بر این مدعا آن است که می گوید چون او در تحقیقات و نوشته هایش از کلمات اهل بیت (علیهم السلام) استفاده می کند و ایشان نیز معصوم هستند پس او نیز معصوم از خطا و اشتباه خواهد بود، چون تابع اهل بیت (علیهم السلام) است.^۲

احسائی طبق همین منطق درباره کسی که کتاب های او را

نپذیرد می گوید:

۱. ابوالقاسم خان ابراهیمی، فهرست، ص ۸۳.

۲. تراث الشیخ الاوحد، ج ۵، ص ۹: «وأخذت تحقیقات ما علمت من أئمة لم يتطرق علی کلماتی الخطأ، لأنی ما أثبت فی کتبی فهو عنهم. وهم معصومون عن الخطأ أو الغفلة والزلل ومن أخذ عنهم فهو لا یخطيء من حیث هو تابع».

مطالب مرتبط را در ص ۷۵ بنگرید که کرمانی مدعی است خواندن کتاب وی واجب است و ارشاد العوام کتابی از جانب خداست!

«کسی که آن را رد کند بر امام جعفر بن محمد علیه السلام رد کرده است».^۱

البته واضح است که اولاً بر فرض عدم کذب، او خیال کرده که علومش را از معصومین علیهم السلام اخذ کرده است و اطمینان او بر احدی حجت نیست. ثانیاً مخالفین شیخ احمد احسائی از عموم علما هم سعی می‌کنند مطالب خود را طبق بیانات اهل بیت علیهم السلام بیان کنند و در این کبری نزاعی وجود ندارد، بلکه اگر کسی اعتراف داشته باشد که کاری با مطالب اهل بیت علیهم السلام ندارد و خودش می‌خواهد حرف دیگری بیان کند خارج از دیانت است، لذا علاوه بر شیخ احسائی بقیه علما نیز باید معصوم باشند چون سعی ایشان نیز آن است که معارف خود را از اهل بیت علیهم السلام اخذ کنند، اما بدیهی است که این تلاش، برای فرد عصمت به ارمغان نخواهد آورد و فرد حداقل در سه مرحله دریافت از معصوم، تطبیق بر مصادیق و تشخیص آن، و انتقال و فهماندن آن به دیگران، در معرض اشتباه است. پس باطل بودن این ادعای شیخ احمد احسائی که جایگاه رفیعی برای او نزد مریدانش فراهم کرده - پوشیده نیست.

۱. الشیخ احمد الاحسائی مجدّد الحکمة الإسلامیة، ج ۵، ص ۹.